

## تأملی در باب هویت دو آرامگاه هشت ضلعی گنبددار کشیت و نسک؛ بخش گلباف کرمان



محمدابراهیم زارعی\*

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده‌ی مسئول)

یداله حیدری باباکمال\*\*

دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان

مجید منتظر ظهوری\*\*\*

دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۶/۱۷

### چکیده:

یکی از مهم‌ترین بناهای دوره‌ی اسلامی ایران، پس از مساجد، آرامگاه‌ها می‌باشند. موجودیت این بناها در ارتباط با شخصیت‌های مذهبی و یا بزرگان محلی و منطقه‌ای تفسیر می‌شود. طی بررسی باستان‌شناسی که به منظور شناسایی محوطه‌های باستانی شهداد، اندوهجرد و گلباف از توابع کرمان در پاییز ۱۳۹۰ خورشیدی انجام گرفت؛ دو بنای هشت ضلعی گنبددار شناسایی و ثبت گردیدند. بناهای فوق در روستاهای کشیت و نسک بخش گلباف واقع، و در ارتباط با قبرستان‌های روستا احداث شده‌اند. با توجه به اینکه تاکنون این دو بنا شناسایی و معرفی نشده‌اند؛ پژوهشی منسجم در خصوص وضعیت آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر تعیین ماهیت و کارکرد بناهای فوق با توجه به بافت تاریخی و فرهنگی آن‌ها و ارائه‌ی تاریخ‌گذاری نسبی در مقایسه با نمونه‌های مشابه است. روش به کار رفته برای دستیابی به اهداف مذکور نیز بر مبنای بررسی سیستماتیک (فشرده) باستان‌شناسی و روش توصیفی-تحلیلی در کنار استفاده از منابع مکتوب است. مهم‌ترین پرسش‌هایی که اساس پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند عبارتند از: ۱. قدمت بناهای فوق به چه تاریخی بر می‌گردد؟

۲. کارکرد احتمالی و علت وجودی آنها با توجه به بافت تاریخی و فرهنگی منطقه چیست؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد با توجه به مقایسه نقشه و تزئینات این آرامگاه‌ها با نقشه‌های مقابر قرون میانی احتمالاً بناهای هشت ضلعی نسک و کشیت به دوره‌ی سلجوقی و یا ایلخانی تعلق دارند. همچنین با مقایسه‌ی دو بنای مورد مطالعه با یکدیگر نیز می‌توان گفت که انتساب آرامگاه نسک به دوره‌ی سلجوقی با احتمال بیشتری عنوان می‌شود؛ چرا که سبک تزئین و نقشه‌ی آن به بناهای دوره‌ی سلجوقی نزدیکتر است و احتمالاً با توجه به عامل یاد شده، آرامگاه نسک نسبت به آرامگاه کشیت از قدمت بیشتری برخوردار است. در ارتباط با کارکرد بناهای نسک و کشیت نیز می‌توان گفت از آنجایی که هر دو بنا در درون قبرستان‌های روستا واقع شده‌اند؛ مرتبط با شخصیت‌های مذهبی و یا بزرگان روستا بنا شده‌اند و بن‌مایه‌ی اصلی شکل‌گیری قبرستان روستا مرتبط با این دو اثر است.

واژه های کلیدی: آرامگاه هشت ضلعی گنبددار، دوره سلجوقی، دوره ایلخانی، بررسی باستان‌شناسی.

## مقدمه

از بناهای آرامگاهی در قرون نخستین اسلامی، نمونه‌های قابل توجهی بر جای مانده است. قسمت اعظمی از معماری آرامگاهی در اوایل دوره‌ی اسلامی ایران، از میراث معماری پیش از اسلام تأثیر پذیرفته؛ با این حال در اوایل دوره‌ی اسلامی از هرگونه یادگار رسمی برای مردگان رویگردان بودند و پیامبر سفارش کرده بود که گورها هم سطح زمین باشند. پس از قرون نخستین اسلام، دیدگاه‌های سادگی در مورد اماکن تدفین کنار گذاشته شد و در مورد رسوم تدفین سربلندی‌هایی جزئی صورت گرفت که گاه به نوعی حرکت فرهنگی و اجتماعی در مقابل ناملایمات سیاسی آن روزگاران نیز محسوب می‌گردید. از آن پس، کم‌کم مدفن به عبادتگاه تبدیل شد و در قرون میانی اسلام چنین بناهایی از فراوانی قابل توجهی در هر منطقه و یا شهری برخوردار شدند. منطقه‌ی کرمان در قرون میانی اسلام (به‌خصوص در دوره‌ی سلجوقی)، نمونه‌های جالبی از آرامگاه‌های گنبددار را در بر می‌گیرد که یک گونه از آن‌ها موسوم به آرامگاه هشت‌ضلعی گنبددار است. طی بررسی باستان‌شناسی که به منظور شناسایی محوطه‌های باستانی مناطق شه‌داد، گلباف و اندوهجرد از توابع کرمان صورت گرفت؛ آثار ارزشمندی از جمله دو بنای آرامگاهی هشت‌ضلعی گنبددار در بخش گلباف شناسایی و مطالعه شدند. این دو بنا تاکنون ناشناخته و هیچ اقدامی در معرفی آن‌ها صورت نپذیرفته است. بنابراین پژوهشی مستقل جهت شناسایی و کارکرد آنها ضروری می‌نمود. مهم‌ترین پرسش‌هایی که اساس پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند عبارتند از: ۱. قدمت بناهای فوق به چه تاریخی بر می‌گردد؟

۲. کارکرد احتمالی و علت وجودی آنها با توجه به بافت تاریخی و فرهنگی منطقه چیست؟ با توجه به اینکه بناهای مزبور فاقد هر نوع کتیبه‌ای بودند، تاریخگذاری آنها مشکل است. با این حال می‌توان فرضیاتی به این شکل را مطرح نمود: ۱. با توجه به نقشه‌های مشابه در قرون میانی اسلام، احتمالاً بناهای هشت‌ضلعی نسک و کشیت به دوره‌ی سلجوقی و یا ایلخانی تعلق داشته باشند

۲. به نظر می‌رسد این بناها مرتبط با شخصیت‌های مذهبی و یا بزرگان روستا احداث شده باشند و بن‌مایه‌ی اصلی شکل‌گیری قبرستان روستا مرتبط با این دو بنا باشد. این پژوهش در سال ۱۳۹۰ ه.ش. و در قالب پروژه‌ی «بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بخش‌های شه‌داد و گلباف شهرستان کرمان» توسط نگارندگان انجام شد. بر اساس آن از وضعیت کنونی و عوارض پیرامونی تمامی بناها و آثار تاریخی از جمله دو بنای هشت‌ضلعی گنبددار کشیت و نسک توصیف و گزارش دقیقی به-همراه نقشه‌ی بنا تهیه شده و عکس‌برداری از تمامی جهات و داخل آن‌ها صورت گرفته است. در جهت بازشناسی هویت و کارکرد این دو بنای هشت‌ضلعی، از روش توصیفی-تحلیلی در کنار منابع مکتوب تاریخی بهره گرفته شده است. در خصوص پیشینه‌ی فعالیت‌های باستان‌شناسی منطقه جهت شناسایی آثار تاریخی و باستانی آن، می‌توان به پژوهش‌های احمد مستوفی در سال ۱۳۴۶ خورشیدی به منظور انجام مطالعات کویری در شرق شه‌داد اشاره کرد. همچنین کاوش‌های علمی باستان‌شناسی به سرپرستی علی حاکمی و میرعبدین کابلی در حاشیه‌ی غربی کویر لوت از سال ۱۳۵۶-۱۳۴۸ خورشیدی و کشف گورستان‌های هزاره‌ی دوم و سوم ق.م، از فعالیت‌های مهم باستان‌شناسی منطقه می‌باشد که در خلال گزارش‌های آن‌ها اشارات اندکی به منطقه‌ی گلباف شده است. تنها تک‌نگاری اختصاص داده شده به منطقه‌ی گلباف کرمان که به معرفی فرهنگ عامه‌ی مردم و تاریخ آن پرداخته؛ کتاب محمدجواد اسدی گوکی است. با این حال در هیچ منبعی تاکنون به این دو بنا اشاره‌ای نشده و ذکری از آن‌ها به میان نیامده است.

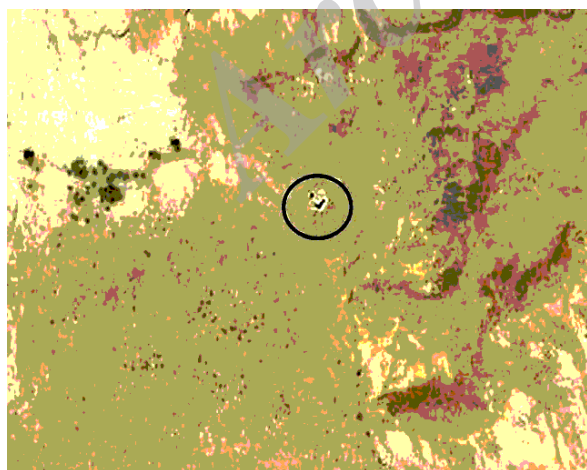
### پیشینه تاریخی منطقه مورد مطالعه گوک (گلباف)

شهر گلباف در ۱۱۰ کیلومتری جنوب شرق کرمان واقع شده است. این شهر از شمال به کرمان از جنوب به بم، از شرق به کویر لوت و از غرب به راین منتهی می‌شود. نام قدیمی آن گوک، مصغر گود و به معنای گودال است و وجه تسمیه‌ی آن به این خاطر است که کوه‌های اطراف گلباف را احاطه نموده و شهر را درون گودی قرار داده است.



نمی‌توان به درستی معلوم کرد؛ با این حال احتمالاً قدمت آن به اوایل دوره‌ی قاجاریه می‌رسد (مستوفی ۱۳۵۱، ۹۵-۱۴۳). آبادی‌های اطراف شهداد به واسطه‌ی موقعیت مساعد بر سر راه‌های خراسان، سیستان و کرمان بایستی از پایگاه‌های ثابت راهزنان بیابان بوده باشند. شاید خود شهر به واسطه‌ی جمعیت زیاد و وجود ساخلوی دیوان از امنیت نسبی برخوردار بوده است؛ ولی اندوه‌گرد و کشتی که سالیان دراز از تاخت و تاز افغانه در امان نبوده‌اند؛ از اماکن برگزیده‌ی دزدان بوده‌اند. اهمیت این منطقه در دوره‌ی ساسانی به حدی بوده که خبیص ساسانی را به منطقه‌ی بم و نرماشیر متصل می‌نموده است (مستوفی ۱۳۵۱، ۷۰-۱۰۱).<sup>۲</sup>

روستای نسک در حدود ۱/۵ کیلومتری غرب روستای کشتی واقع شده و بنای هشت‌ضلعی گنبددار آن در ۳۰۰ متری شرق روستا در میان زمین‌های بایر با پوشش درختچه‌های پراکنده‌ی کهور قرار گرفته است. لازم به ذکر است قلعه‌ای نیز از دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) در حدود ۲۰۰ متری شمال بنای هشت‌ضلعی واقع شده است. در متون جغرافیایی و تاریخی، جغرافیدانان اسلامی در مورد مناطق فوق مطالب چندانی ذکر نکرده‌اند. با این حال می‌توان به توصیفات پراکنده‌ای اشاره کرد. از جمله اینکه مقدسی در احسن‌التقاسیم در مورد شهرهای خبیص (شهداد) می‌گوید: «...ناحیت خبیص (شهداد) شهرهای نشک (نسک)، کشتی (کشتی)، کوک (گوی گلباف) و کثروا است» (مقدسی ۱۳۶۱، ۶۸۱) (تصویر ۲).

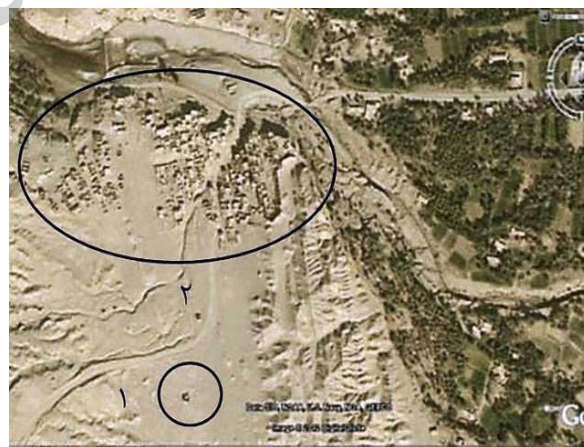


تصویر ۲. تصویر ماهواره‌ای بنای آرامگاهی نسک (برگرفته از Google Earth).

گویا قبل از گوک نام شهر «گودعلی» بوده است. همچنین گفته می‌شود که کلمه‌ی خبق که در معجم‌البلدان ذکر شده همان گوک بوده که امروزه از قصبات مهم است و چندین کارخانه‌ی قالی‌بافی دارد (وزیری ۱۳۵۳، ۲۲۳). از نظر قدمت سکونت در چند سده‌ی اخیر منطقه‌ی گلباف، پس از قرون میانی اسلامی، می‌توان به قبور منطقه‌ی اشاره کرد. چنانکه در حوالی قلعه‌ی پائین گلباف قبرهای زیادی وجود دارد که به عقیده‌ی اکثر ریش‌سفیدان گلباف، قبور فوق متعلق به افغانه‌اند (گوکی ۱۳۷۹، ۱۱).<sup>۱</sup>

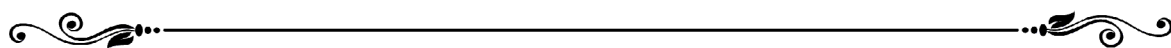
### روستای کشتی و نسک

منطقه‌ی کشتی از مناطق مسکونی معتبر حاشیه‌ی کویر لوت بوده که قدمت زندگی در این نواحی به واسطه‌ی وفور آب در منطقه است. قلعه-روستای کشتی و روستای آن با قدمتی در حدود قرون متأخر اسلامی، در سمت شمال و شرق آرامگاه هشت ضلعی کشتی واقع شده‌اند (تصویر ۱). رودخانه‌ی دائمی کشتی به قلعه - روستا و بافت قدیمی روستای کشتی چسبیده است و از شرق آن می‌گذرد. به سبب اراضی قابل کشت هیچ یک از آبادی‌های ناحیه‌ی شهداد به اندازه‌ی کشتی از نعمت آب بهره‌مند نیست.



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای بنای آرامگاهی کشتی (۱) و بافت قدیمی قلعه-روستای کشتی (۲) (برگرفته از Google Earth).

نام کشتی مفهوم روشنی ندارد؛ اما احتمالاً سابقه‌ی آن به دوره‌ی تسلط کوشانی‌ها می‌رسد و نام آن از کش و کج آمده باشد. زمان بنای قلعه-روستا و بافت قدیمی کشتی را





### نگرش مختصری بر بناهای آرامگاهی گنبددار

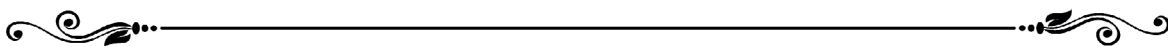
شأن والایی که مقبره از همراهی با بناهای وابسته بدست آورد بر این امر دلالت دارد که عملکرد آن صرفاً به مکانی برای تدفین و یا یادبود محدود نمی‌شد. مقبره در جامعه‌ی اسلامی سده‌های میانه و اغلب در سطح مذهب توده‌ی عوام مردم منزلتی بسیار والا داشت (هیلن‌براند ۱۳۷۷، ۲۵۸). در این راستا به دلیل اهمیت مقابر، نخستین اقدام حکام، پادشاهان و بزرگان پس از بر تخت نشستن ساختن آرامگاه خود بوده است؛ با این هدف که مورد آمرزش قرار گیرند یا نامشان را جاودانه کنند (پوپ ۱۳۶۳، ۱۲ و بورکهارت ۱۳۶۵، ۱۰۵-۱۰۶). نمادگرایی بناهای آرامگاهی در ایران چندان مورد توجه نبوده است. با این حال نمادگرایی مقابر، منظر وسیعی از ملاحظات اجتماعی-سیاسی را در بر گرفته و گاه ترکیب ساخت و شکوه یک بنای تدفینی نمایانگر مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی صاحب آن به شمار می‌رفت (دانشوری ۱۳۹۰، ۷۱). هدف از نمادهای مختلف به کار رفته در معماری تدفینی ایران، بیشتر از اینکه به‌عنوان ابزار میل و علاقه به وفاداری باشد؛ تأکید بر یادآوری جایگاه متوفی و بهشت است. به نظر می‌رسد به شکلی آشکار تعداد و کثرت نمادها و سمبلیسم عددی ویژگی برجسته‌ی آرامگاه‌های ایرانی نیست (پوپ ۱۳۸۷، ۳۴۱ و کیانی ۱۳۸۸، ۶۸). با وجود این آرامگاه‌های هشت‌ضلعی به هشت درب بهشت تعبیر شده‌اند (پورصفر ۱۳۸۶، ۴۶).

در تقسیم‌بندی آرامگاه‌های ایران به دو نوع اشاره شده است؛ مقابر برجی شکل و آرامگاه‌های گرد و یا قبه‌ای شکل چند ضلعی گنبددار. دسته‌ی اخیر در آسیای مرکزی و در شهرهای بزرگی همچون سنگ‌بست و یزد به گونه‌ای متفاوت ظاهر شده‌اند (اتینگه‌اوزن و گرابار ۱۳۷۸، ۲۳۷). البته از صدر اسلام، ایجاد بناهای چند ضلعی برای احداث ساختمان‌هایی چون امامزاده، برج و قلعه عمومیت یافت. چنانچه بنای قبه‌الصخره در سال ۶۹۱ میلادی/۷۲ ه.ق. در اورشلیم و قبه‌الصلیبیه در قرن سوم ه.ق. در سامره، با نقشه‌ی هشت‌ضلعی ساخته شده‌اند. در ایران نیز برای ایجاد بناهای مذهبی از نقشه‌ی هشت‌ضلعی استفاده شده است. به‌عنوان مثال گنبد جبلیه کرمان و گنبد شیخ جنید

در یزد -متعلق به دوره‌ی سلجوقی- را با طرح هشت‌ضلعی بنا کرده‌اند. در دوره‌ی ایلخانی نیز ایجاد بناهای چند ضلعی توسعه یافت و بناهای متعددی به این سبک ساخته شد که از میان آنها گنبد سلطانیه و گنبد امامزاده جعفر را می‌توان نام برد (کیانی ۱۳۸۸، ۱۳۲). در خصوص تکامل مقابر آرامگاهی هیلن‌براند معتقد است که شاید دیرپاترین شکل مقبره‌ی آرامگاهی، انواع هشت‌ضلعی آن باشد (هیلن‌براند ۱۳۶۶، ۳۱-۳۲). با این حال بعد از قرن چهارم ه.ق. و شکل‌گیری معماری بناهای برجی شکل در ایران، شاید بتوان گفت مهم‌ترین دوره‌ای که این بناها رو به شکوفایی نهاد، دوره‌ی سلجوقی باشد. در این دوره ساخت مقابر برجی شکل مقبولیت عام پیدا کرد و بیشتر در برگیرنده‌ی مقابر شخصیت‌های ملی و سیاسی ایران بود (کارگر ۱۳۷۳، ۱۱۳). اختلاف برج مقبره-ای هشت‌گوش با هشت‌ضلعی گنبددار در طول و عرض آن‌ها است؛ به‌طوری‌که برج‌های مقبره‌ای هشت‌گوش ارتفاعشان بلند ولی از لحاظ عرض محدود و فشرده‌اند (کیانی ۱۳۷۴، ۷۸-۷۷). بنابراین می‌توان به روند تکاملی بناهای هشت‌ضلعی گنبددار از قرون اولیه‌ی اسلام تا دوره‌ی صفوی بر اساس شواهد و مدارک تاریخی و باستان‌شناسی پی‌برد. با وجود این دوره‌ی بلوغ استفاده از این نوع بناها به قرون میانی اسلام برمی‌گردد؛ شاید علت این پدیده را در شکل‌گیری و اوج عرفان و تصوف پی برد که ایجاد آرامگاه‌های هشت‌ضلعی جهت بزرگداشت عرفا و صوفیان، با توجه به اعتقادات این دوره منطقی باشد.

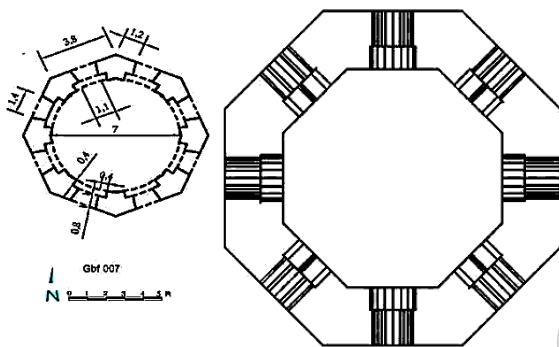
### آرامگاه کشیت

آرامگاه کشیت در ۱۵۰ متری جنوب قلعه-روستای کشیت و بافت قدیمی روستا قرار دارد. بافت جدید روستای کشیت نیز در حدود ۳۰۰ متری شرق آن قرار گرفته است. آرامگاه فوق در میان قبرستان قدیمی روستا واقع شده؛ به‌طوری‌که در کنار قبور قدیمی قبور جدیدی نیز دفن شده‌اند. جاده‌ی آسفالت‌های که از گلپاف به روستا منتهی می‌گردد، از حدود ۵۰ متری غرب آن می‌گذرد. مصالح بکار رفته در ساخت بنا از آجر (خشت پخته) به‌همراه ملات گل است. در نیمه‌ی شرقی و شمالی بنا به وضوح آثار تخریب قابل مشاهده است. قطر مرکزی بنا حدود هفت متر و ارتفاع بنا از کف

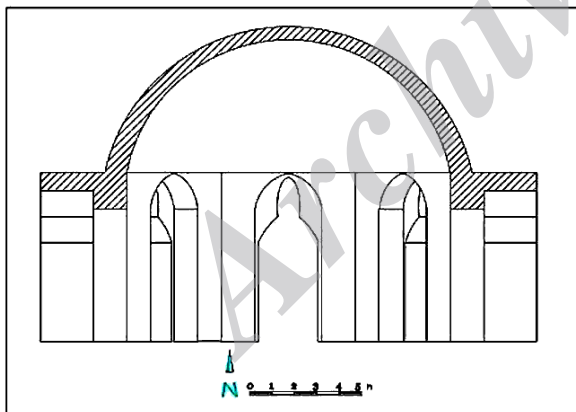




تصویر ۴. نمایی دیگر از آرامگاه هشت ضلعی کشیت (دید از شمال)  
(مأخذ: نگارندگان).



طرح ۱ و ۲. پلان آرامگاه هشت ضلعی کشیت (طرح از منصور نجفی).



طرح ۳. مقطع آرامگاه کشیت (طرح از منصور نجفی).

آن تا سقف حدود ۷/۵ متر و عرض ورودی‌ها حدود یک متر می‌باشد. ورودی‌های بنا به فرم تاق‌های قوسی‌اند که در مرکز به شکل هشتی درآمده‌اند. بخش اعظم گنبد بنا، فرو ریخته و تنها قسمت‌هایی از بخش جنوبی آن قابل مشاهده است. این آرامگاه فاقد تزئینات مشخص معماری بوده و یا اگر تزئیناتی داشته، بر اثر فرسایش شدید از بین رفته است. علاوه بر تخریب این آرامگاه توسط عوامل انسانی، وجود فرسایش شدید در منطقه از دیگر عوامل تخریب آن به شمار می‌رود (تصاویر ۳ و ۴؛ طرح ۱-۶). از نمونه‌های قابل قیاس با آرامگاه کشیت از نظر پلان و طرح می‌توان به گنبد جبلیه کرمان اشاره کرد (تصویر ۵). در ارتباط با زمان احداث گنبد جبلیه نظرات متفاوتی ایراد شده است؛ باستانی پاریزی در کتاب راهنمای آثار تاریخی کرمان، بنای گنبد جبلیه را متعلق به قبل از سلجوقیان دانسته‌اند (باستانی پاریزی ۱۳۳۵، ۴۶). عده‌ای نیز آن را مربوط به قبر یکی از زردشتیان می‌دانند (کلانترخاندانی ۱۳۷۸، ۲۶۰). اما اریک شرودر بر اساس تحقیقاتی منسجمی که در این زمینه انجام داده معتقد است که نسبت‌دادن تاریخ ساختمان این بنا به دوران قبل از اسلام صحیح نیست و معتقد است که گنبد در دوره‌ی سلجوقیان ساخته شده است و تاریخ ساخت بنا را سال ۵۸۲ ه. ق می‌داند (پارسای قدس، ۱۳۶۵). همچنین وی برای این منظور پوشش این بنا را با قبه‌ی مقبره‌ی دوازده امام یزد و قبه‌ی شمالی مسجد جامع اصفهان مقایسه می‌کند (پارسای قدس ۱۳۶۳، ۴۶۲). بنابراین با توجه به خصوصیات و عناصر معماری که در بناهای مورد مطالعه وجود دارد، انتساب گنبد هشت ضلعی کشیت به دوره‌ی سلجوقی محتمل‌تر است.



تصویر ۳. نمای عمومی آرامگاه هشت ضلعی کشیت (دید از غرب)  
(مأخذ: نگارندگان).





### آرامگاه نسک

آرامگاه هشت ضلعی گنبددار نسک در دهستان کشیت، در ۲۰۰ متری شرق روستای نسک و در حدود ۱/۵ کیلومتری غرب آرامگاه کشیت واقع شده است. همانند آرامگاه کشیت این آرامگاه نیز در داخل قبرستان قدیمی روستای نسک واقع شده است (تصویر ۶ و ۷؛ طرح ۷-۱۲).

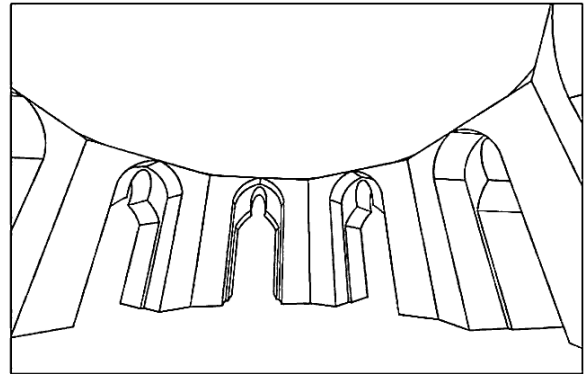


تصویر ۶. نمایی دیگر از آرامگاه هشت ضلعی نسک (دید از غرب)  
(مأخذ: نگارندگان).

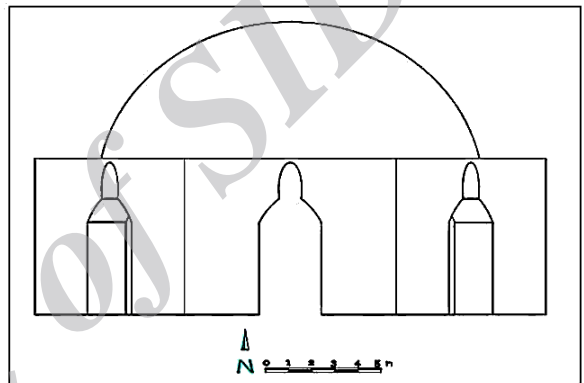


تصویر ۷. نمای عمومی آرامگاه هشت ضلعی نسک (دید از جنوب)  
(مأخذ: نگارندگان).

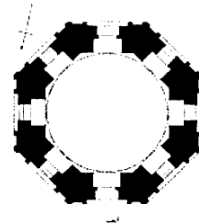
مصالح به کار رفته در ساخت آرامگاه کشیت، خشت پخته (آجر) به همراه ملات گل بوده و بخش اعظم آن در جهات شمالی و شرقی ویران شده است. گنبد آن به طور کامل تخریب شده و تنها بخش‌هایی از دیواره‌ی غربی و جنوبی آن بر جای مانده؛ به-طوریکه از هشت ورودی آن تنها سه



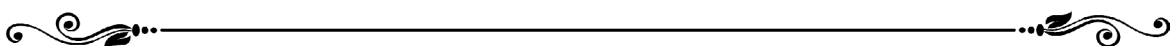
طرح ۴. نمای سه بعدی داخلی آرامگاه کشیت (طرح از منصور نجفی).

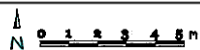
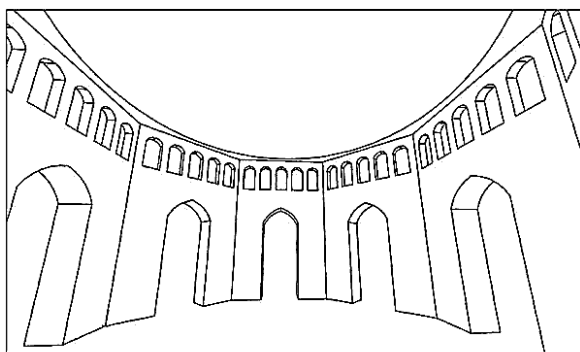


طرح ۵. نمای جانبی آرامگاه کشیت (طرح از منصور نجفی).



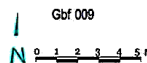
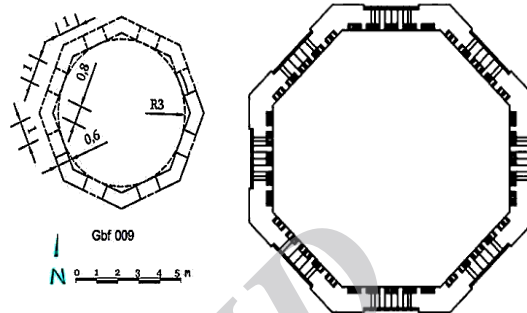
تصویر ۵. بالا: نقشه‌ی کف گنبد جلیبه کرمان؛ راست: گنبد؛ چپ: نما (مأخذ: پوپ ۱۳۸۷، ۱۳۳۴).



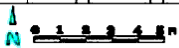
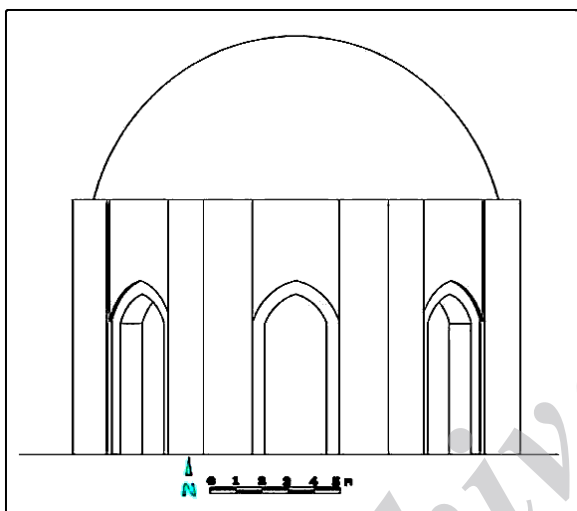


طرح ۱۰. نمای سه بعدی داخلی آرامگاه نسک (طرح از منصور نجفی).

ورودی باقی مانده است. قطر مرکزی بنا حدود شش متر، ارتفاع بنا از کف تا سقف حدود شش متر و عرض ورودی‌ها حدود یک متر است.

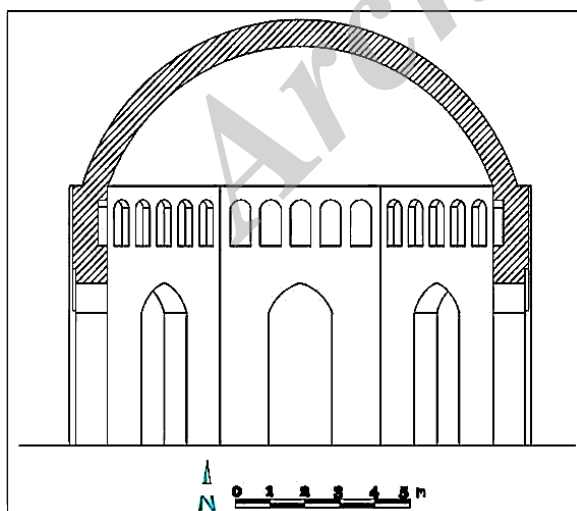


طرح ۷ و ۸. پلان آرامگاه هشت ضلعی نسک (طرح از منصور نجفی).

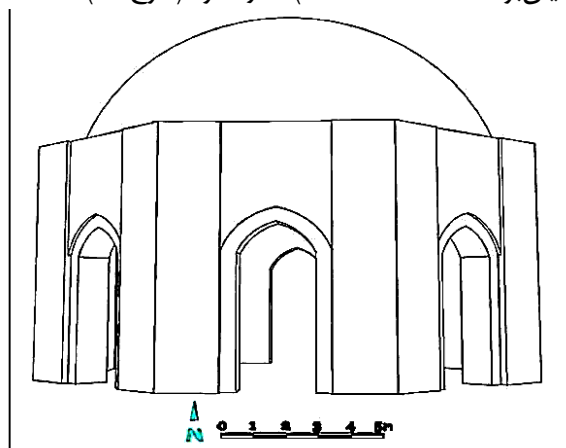


طرح ۱۱. نمای آرامگاه نسک (طرح از منصور نجفی).

ورودی‌های بنا به شکل قوس هشتی‌اند و برخلاف آرامگاه کشیت که فاقد تزئینات معماری مشخصی است، در بالای ورودی‌های این بنا، بر گرد انتهای گنبد و در پائین قسمت انتقالی آن تزئینات طاقچه‌ای ماندنی به چشم می‌خورد که گنبد دوازده امام یزد (پوپ ۱۳۸۷، ۲۷۳) (تصویر ۸)، برج‌های خرقان قزوین (پیرنیا ۱۳۸۷، ۱۷۶) (طرح‌های ۱۳ و ۱۴) و گنبد جبلیه‌ی کرمان (تصویر ۵) (پوپ ۱۳۸۷، ۱۲۲۴) را به یاد می‌آورد. از نمونه‌های قابل قیاس با آرامگاه نسک از نظر پلان و تزئینات در داخل ایران نمونه‌های فوق می‌باشند. اما می‌توان به نمونه‌هایی نیز در خارج از ایران از جمله آرامگاه تلمسان (مقبره‌ی سلطان) در الجزایر مربوط به قرن ۶ ه.ق. (هیلن‌براند ۱۳۷۷، ۲۶۹-۲۷۰) اشاره کرد (طرح ۱۵).

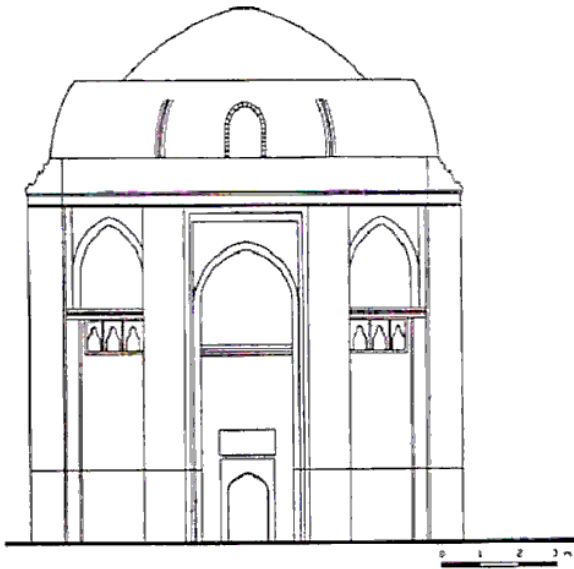


طرح ۱۲. مقطع آرامگاه نسک (طرح از منصور نجفی).

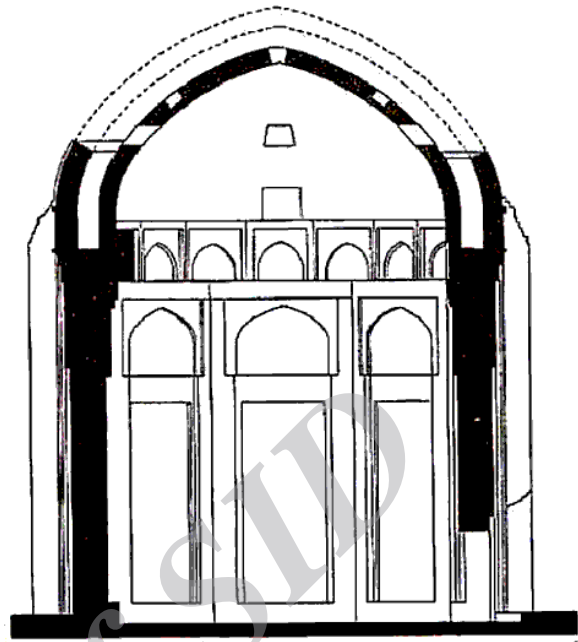


طرح ۹. طرح سه بعدی آرامگاه نسک (طرح از منصور نجفی).

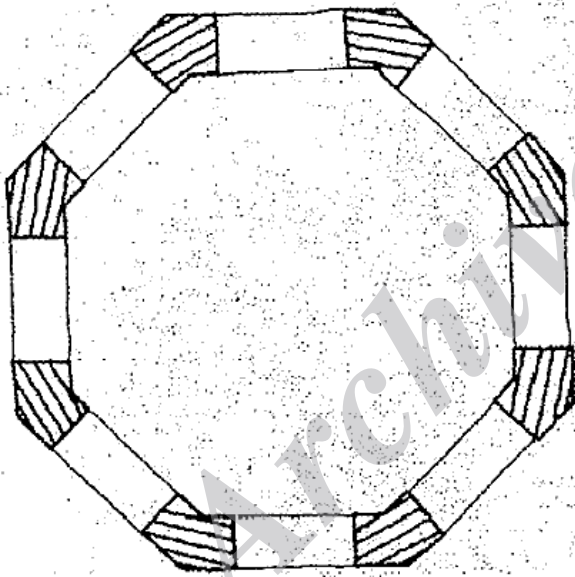




طرح ۱۴. نمای برج خرقان قزوین مربوط به قرن پنجم ه.ق.  
(مأخذ: پیرنیا ۱۳۹۱، ۱۷۶).



طرح ۱۳. مقطع برج خرقان قزوین مربوط به قرن پنجم ه.ق.  
(مأخذ: پیرنیا ۱۳۹۱، ۱۷۶).

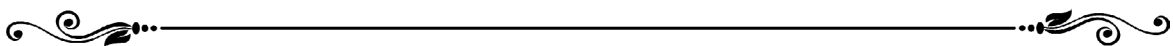


طرح ۱۵. پلان آرامگاه سلطان تلمسان مربوط به قرن ۶ ه.ق.  
(مأخذ: هیلن براند ۱۳۷۷، ۶۱۸).



تصویر ۸. نمای بیرونی گنبد دوازده امام یزد (مأخذ: پوپ ۱۳۸۷، ۲۷۳).

این آرامگاه همانند مقبره‌ی دوازده امام یزد و گنبد جبلیه‌ی کرمان که میراث سلجوقی در این گونه بناها تا دوره‌های بعد بسیار غنی است بر مفصل‌بندی پرکار تأکید دارد. از طرفی دیگر، آرامگاه نسک از نظر تزئینات به مقبره‌ی شیخ جنید در یزد شبیه است. تاریخ ساخت این بنا ۵۴۳ ه.ق است. بنابراین و







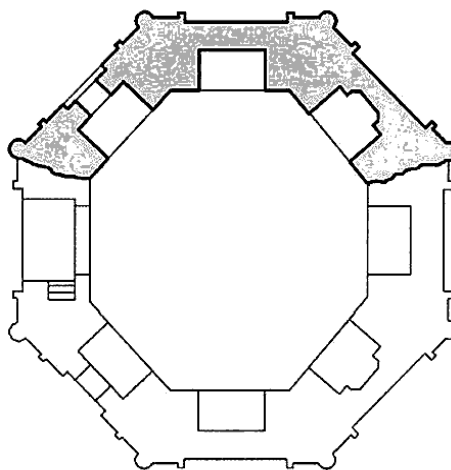
تصویر ۹. نمایی از مقبره‌ی فارفان واقع در منطقه‌ی روئی دشت نزدیک زاینده رود اصفهان (مأخذ: صالحی کاخکی ۲۰۰۷، ۲۳۸).

### نتیجه‌گیری

گونه‌ای از بناهای آرامگاهی مهم در دوره‌ی اسلامی، بناهای هشت‌ضلعی گنبددار هستند که روند تکاملی و رو به رشد آن‌ها از قرون نخستین اسلامی شروع شده و در قرون میانی به اوج تکامل خود می‌رسند؛ به‌طوری‌که این گونه از بناهای آرامگاهی در قرون میانی نسبت به قرون اولیه‌ی اسلامی از فراوانی بیشتری برخوردارند. تکامل بناهای آرامگاهی چهارضلعی گنبددار به هشت‌ضلعی گنبددار با ظهور سلجوقیان و تحولات معماری در این دوره رخ می‌دهد. منطقه‌ی کرمان، که به عنوان یکی از مراکز مهم سلجوقیان مورد توجه حاکمان این دوره قرار گرفته بود؛ تبدیل به محل آرامگاه‌های متعدد عرفا و بزرگان این دوره شد. در این میان می‌توان به نمونه‌هایی چند از بناهای هشت‌ضلعی گنبددار که طرحی رایج در احداث آرامگاه‌های گنبددار در زمان سلجوقیان بوده است، اشاره کرد. طی پروژه‌ی بررسی و شناسایی آثار باستانی مناطق شهداد و گلباف کرمان، دو نمونه از این بناهای ارزشمند شناسایی شدند. این بناهای آرامگاهی هشت‌ضلعی گنبددار که در نزدیکی روستاهای کشیت و نسک واقع شده‌اند؛ در بین اهالی محل به دلیل نقشه‌ی هشت

با توجه به مطالب یاد شده احتمالاً مقبره‌ی نسک نیز متعلق به دوره‌ی سلجوقی است.

تشابه مقابر نسک و کشیت با برخی مقابر دوره ایلخانی با مقایسه‌ی مقابر نسک و کشیت با برخی مقابر دوره‌ی ایلخانی می‌توان به مشابهت‌هایی میان آنها از نظر نقشه و تزئینات پی برد. این مقابر بیشتر به مقابر هشت‌ضلعی سلجوقی مشابه‌اند تا دوره‌ی ایلخانی، با این حال به ذکر نمونه‌ای از مقابر دوره‌ی ایلخانی اشاره می‌شود. از نمونه‌های مشابه مقابر نسک و کشیت در دوره‌ی ایلخانی می‌توان به مقبره‌ی «فارفان» اصفهان (در منطقه‌ی روئی دشت در زاینده‌رود) اشاره کرد. مقبره‌ی هشت‌ضلعی فارفان که در شمال شهرستان فارفان واقع شده، بخش‌های اندکی از دیواره‌ی جنوبی و جنوب‌غربی آن برجای مانده و به زعم مردم محلی تا چند دهه پیش پا برجا بوده است. این مقبره‌ی هشت‌ضلعی به ارتفاع ۶ متر و به قطر ۳/۹۵ متر ساخته شده و نمای داخلی آن با طاق‌نماهای دوره‌ی ایلخانی شبیه است (صالحی کاخکی ۲۰۰۷، ۲۳۸) (تصویر ۹ و طرح ۱۶). مقابر نسک و کشیت شبیه به مقبره امامزاده جعفر در اصفهان نیز هستند (ویلبر ۱۹۶۹، ۱۳۴). که طبق کتیبه‌ی آن در سال ۷۱۱ ه.ق. ساخته شده است (نیک‌زاد ۱۳۳۷، ۳۳-۳۳). علاوه بر آن شباهت‌هایی بین این دو بنا با گنبد چلیپی اوغلو سلطانیه مربوط به قرن هشتم ه.ق و بقعه‌ی امامزاده یحیی زنجان مربوط به قرون ۷ و ۸ ه.ق مشهود است.



طرح ۱۶. پلان مقبره‌ی فارفان (مأخذ: صالحی کاخکی ۲۰۰۷، ۲۳۸).



با کارکرد بناهای نسک و کشیت نیز می‌توان گفت که از آنجایی که هر دو بنا در درون قبرستان‌های روستا واقع شده‌اند؛ احتمالاً قبر یکی از بزرگان یا عارفان روستا بوده‌اند که پس از مرگ آن‌ها به کانونی مذهبی زیارتگاهی بدل شده و به تدریج تا سده‌های بعدی قبور بیشتری پیرامون آرامگاه شکل گرفته‌اند. از این رو وجود تدفین‌های متعدد در پیرامون این دو بنا، می‌تواند بیانگر جایگاه آن‌ها به عنوان خانقاه، زاویه و یا محلی شبیه به آن بوده باشد؛ چرا که امروزه نیز در کنار خانقاه‌ها و زوایا تدفین‌های فراوانی مشاهده می‌گردد.

### سپاسگزاری

از آقای نصیر اسکندری به خاطر در اختیار قرار دادن برخی از داده‌های پژوهش و نیز از آقای منصور نجفی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری دانشگاه تهران جهت تهیه پلان، مقطع و نمای آرامگاه‌های مورد مطالعه نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

ضلعی و داشتن هشت ورودی به «هشت‌در» موسوم‌اند. با مقایسه‌ی نقشه، تزئینات و نوع مصالح به کار رفته در این دو بنا با بناهای هشت-ضلعی گنبددار سلجوقی، می‌توان به مشابهت‌های فراوانی میان آن‌ها پی‌برد. اگرچه میان بنای آرامگاهی یاد شده با برخی بناهای هشت‌ضلعی قرون ۷ و ۸ ه.ق (دوره‌ی ایلخانی) نیز شباهت‌هایی به چشم می‌خورد؛ اما با توجه به پیشینه‌ی تاریخی و باستان-شناسی منطقه‌ی مورد مطالعه و تناسبات موجود میان این دو بنا و سایر بناهای هشت‌ضلعی منطقه‌ی کرمان در دوره‌ی سلجوقی، انتساب مقابر کشیت و نسک به این دوره محتمل‌تر به نظر می‌رسد. با مقایسه‌ی دو بنای مورد مطالعه با یکدیگر نیز می‌توان گفت که انتساب آرامگاه نسک به دوره‌ی سلجوقی با احتمال بیشتری عنوان می‌شود؛ چرا که سبک تزئین و نقشه‌ی آن به بناهای دوره‌ی سلجوقی نزدیکتر است و احتمالاً با توجه به عامل یاد شده، آرامگاه نسک نسبت به آرامگاه کشیت از قدمت بیشتری برخوردار است. در ارتباط

### پی‌نوشت‌ها

۱. از نظر اقتصادی و صدور مواد اولیه و کشاورزی می‌توان گفت منطقه‌ی حوریان گلباف در گذشته مکان تجاری عظیمی به حساب می‌آمده؛ به‌طوری‌که کشمش گلباف به هندوستان صادر می‌شد و تجار در عوض آن ادویه به کرمان می‌آوردند (وزیری ۱۳۵۳، ۹۱). همچنین گلباف همواره پناهگاهی به شمار می‌رفته که اگر هر کس به دلیلی جلای وطن می‌نمود؛ بدین مکان می‌آمد و روزگار می‌گذراند و حتی تشکیل خانواده می‌داد. بعضی‌ها نیز از سایر شهرهای کرمان فرزندان خویش را در گلباف به اجیری می‌فرستادند. مردم گلباف نیز آن‌ها را به گرمی پذیرفته و پس از آموختن کار به آن‌ها، به این عده مهاجر دختری از کسان خود را به عقد و نکاح آن‌ها در آورده و بدین ترتیب عده‌ی زیادی به این منطقه سرازیر شدند (گوگی ۱۳۷۹، ۱۲). از نظر مسیرهای عبور و مرور، راه ارتباطی گوک که مالرو کوهستانی است از جنوب غربی آن گذشته و در شمال نی‌بند جاده‌ی قدیمی را قطع کرده و به راین می‌رسد. در دوران قدیم این راه مورد توجه بوده و از طریق راین آبادی بزرگ گوک به بم، نرماشیر، بردسیر کرمان و فارس منتهی می‌شده است. پس از انتقال پایتخت کرمان از سیرجان به گواشیر بر رونق و اعتبار گوک افزوده شد و از همان راه کوهستانی با ماهان و گواشیر ارتباط پیدا کرد (مستوفی ۱۳۵۱، ۹۶). همانطور که مشاهده می‌شود گلباف یکی از مناطق حاشه‌ی شرقی کرمان با کارکرد ارتباطی بوده و نقش مهمی در تبادل تجاری و صدور کالاهای مختلف به نواحی شرقی‌تر و نواحی داخلی ایران داشته است.

۲. منطقه‌ی کشیت دارای آبی تیره و چرب است؛ ساکنین محل از روی آب مقداری چربی گرفته و در چراغ‌های نفتی قدیم (پیه‌سوز) می‌ریزند و استفاده‌ی نفتی می‌کنند. بعید نیست که معادن عظیم نفت در خاک تیره‌ی این منطقه نهفته باشد (پورحسینی ۱۳۲۸، ۴۷۲). در میان این دهستان روستای کشیت با ۹۲۷ نفر پرجمعیت‌ترین و روستای نسک با ۳۷۶ نفر کم‌جمعیت‌ترین آبادی‌های آن‌اند (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان ۱۳۸۲، ۱۳۴).

۳. Salehi Kakhki

۴. Wilber

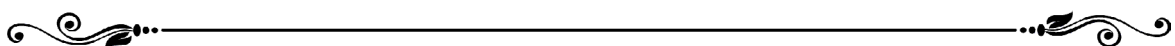


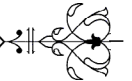
## منابع

۱. اتینگهاوزن، ریچارد، و الگ گرابار. ۱۳۷۸. هنر و معماری اسلامی (۶۵۰-۱۲۵۰ م). ترجمه ی یعقوب آژند. تهران: سمت.
۲. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. ۱۳۳۵. راهنمای آثار تاریخی کرمان. کرمان: نشریه ی فرهنگ استان کرمان.
۳. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۵. هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه ی مسعود رجب نیا. تهران: انتشارات سروش.
۴. پارسای قدس، احد. ۱۳۶۳. بناهای یادبود سنگی از دوره ی سلجوقی. برگرفته از معماری ایران (۸۴ مقاله به قلم ۳۳ پژوهشگر ایرانی)، به کوشش آسیه جوادی. جلد اول، چاپ اول. تهران: انتشارات مجرد.
۵. پارسای قدس، احد. ۱۳۶۵. سه بنای یاد بود از دوران سلجوقی. مجله ی هنر و مردم (۱۸۴-۱۸۵): ۳۷-۵۳.
۶. پوپ، آرتور اپهام. ۱۳۶۳. معماری ایران. ترجمه ی رضا بصیری. تهران: میر (گوتنبرگ).
۷. پوپ، آرتور اپهام. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. زیر نظر پوپ و اکرم ویرایش سیروس پرهام. جلد ۳، معماری دوران اسلامی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. پورحسینی، سید ابوالقاسم. ۱۳۲۸. خبیص - شهداد. مجله ی یغما (۵): ۲۰، ۴۷۲ - ۴۶۹.
۹. پورصفر، شهرزاد. ۱۳۸۶. بررسی تزئینات مقبره ی خواجه اتابک کرمان. با مقدمه ی دکتر محمد خزائی، چاپ اول. کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.
۱۰. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۹۱. سبک شناسی معماری ایرانی. تدوین و گردآوری غلامحسین معاریان. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات سروش دانش.
۱۱. دانشوری، عباس. ۱۳۹۰. مقابر برجی سده های میانی ایران (مطالعه نگاره شناختی). ترجمه جواد نیستانی و زهره ذوالفقار کندری. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. فرهنگ جغرافیایی آبادی های استان کرمان. ۱۳۸۲. چاپ اول. کرمان: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. کارگر، محمدرضا. ۱۳۷۳. مقابر اسلامی؛ پایگاه فرهنگی در شمالغرب ایران. پایان نامه ی منتشر نشده کارشناسی ارشد باستان شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. کلانترخاندانی، حسین. ۱۳۸۷. سیری در جغرافیای استان کرمان با تکیه بر مسائل طبیعی (زلزله)، انسانی، تاریخی، اقتصادی. کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.
۱۵. کیانی، محمد یوسف. ۱۳۷۴. تاریخ هنر معماری ایران در دوره ی اسلامی. تهران: سمت.
۱۶. کیانی، محمد یوسف. ۱۳۸۸. معماری ایران (دوره ی اسلامی). تهران: انتشارات سمت.
۱۷. گوکی، محمدجواد اسدی. ۱۳۷۹. فرهنگ عامیانه ی گلباف. چاپ بهمن. کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.
۱۸. مستوفی، احمد. ۱۳۵۱. شهداد و جغرافیای تاریخی دشت لوت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد. ۱۳۶۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه ی علینقی وزیری، چاپ اول. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۲۰. نیکزاد، ۱۳۳۷. امامزاده جعفر یا جعفریه. مجله فرهنگ اصفهان (۹): ۲۱، ۳۲ - ۳۳.
۲۱. وزیری، احمد علی خان. ۱۳۵۳. جغرافیای کرمان. به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انتشارات ابن سینا.
۲۲. هیلن براند، رابرت. ۱۳۶۶. مقابر در معماری ایران دوره ی اسلامی. ترجمه ی کرامت الله افسر. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۳. هیلن براند، رابرت. ۱۳۷۷. معماری اسلامی (فرم، معنا و عملکرد). ترجمه ی ایرج اعتصام. تهران: معاونت شهرداری و معماری شهرداری تهران.

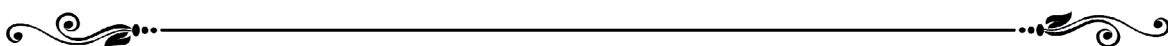
## References

1. Bastani Parizi, Mohammad Ebrahim. 1956. Guide of Kerman Monuments. Kerman: *Journal of Kerman Culture*.
2. Burckhardt, Titus. 1986. *Art of Islam; Language and Meaning*. Translated by Masood Rajabnia. Tehran: Soroush Publications.
3. Daneshvari, Abbas. 2011. *Tower Tombs of Iran in Middle Centuries (The Study of Image Cognitive)*. Translated by Javad Nayestani and Zohre Zolfaghar Kandri. Theran: Samt.
4. Ettinghausen, Richard and Oleg Grabar. 1999. *Islamic Art and Architecture (650-1250 AD)*. Translated by Yaaghoob Ajand, Tehran: Samt.
5. Gooki, Mohammad Javad Asadi. 2000. *Folk Culture of Golbaf*. First Edition. Bahman Print. Kerman: Publications of Kerman Studies Center.
6. Hillenbrand, Robert. 1987. *Tomb's in Iranian Architecture in Islamic Era*. Translated by Keramatollah Afsar. By





- Effort of Mohammad Yousef Kiani. Tehran: Jahad e Daneshgahi Publications.
7. Hillenbrand, Robert. 1998. *Islamic Architecture (Form, Function and Meaning)*. Translated by Iraj Eatesam. Tehran: Architecture and Urban Design Department of Tehran Municipality.
  8. Kalantar Khandani, Hossein. 2008. *An Overview on Kerman Geography Based on Natural Issues (Earthquake), Humanities, Historical and Economical*. Kerman: The Center of Kerman Studies.
  9. Kargar, Mohammad Reza. 1994. *Islamic Tombs, Cultural Base in Northwest of Iran*. Unpublished Master's Thesis of Archeology. Tehran: Tarbiat Modarres University.
  10. Kiani, Mohammad Yousef. 1995. *History of Islamic Art and Architecture in Iran*. Tehran: Samt.
  11. Kiani, Mohammad Yousef. 2009. *Iranian architecture (Islamic Era)*. Tehran: Samt.
  12. Mostofi, Ahmad. 1972. *Shahdad and Historical Geography of Lut Plain*. Tehran: University of Tehran Press.
  13. Muqddasi, Abu Abdollah Mohammad Ibn Ahmad. 1982. *Ahsan al-Taqasim fi Ma'rifat al-Aqalim*. Translated by Ali Naqi Vaziri. First Edition. Tehran: Corporation of Iranian Authors and Translators.
  14. Nikzad. 1958. Imamzadeh Jaafar or Jaafariyeh, *Journal of Isfahan Culture* (9) 21: 32-33.
  15. Parsaye Qods, Ahad. 1984. *Stone Monuments of Seljuk Era*. From the Architecture of Iran (84 Articles by 33 Iranian Researcher), by Asiyeh Javadi, First volume, First Edition. Tehran: Mojarrad Publications.
  16. Parsaye Qods, Ahad, Ahad. 1986. Three Monument of Seljuk Era. *Journal of Honar va Mardom* (184-185): 37-53.
  17. Pirnia Mohammad Karim. 2012. *Studying the Styles of Iranian Architecture*. Codification by Gholamhossein Memarian. Eleventh Edition. Tehran: Soroush-e Danesh Publications.
  18. Pope, Arthur Upham. 1984. *Persian Architecture*. Translated by Reza Basiri. Tehran: Mir (Gothenburg).
  19. Pope, Arthur Upham. 2008. *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*. Edited by Phillis Ackerman and Sirous Parham, Vol.3, Islamic Architecture. Tehran: Elmi va Farhangi Publications.
  20. Pourhosseini, Sayed Abolqasem. 1949. Khabis-Shahdad. *Yaghma* (5) 20: 469-472.
  21. Poorsafar, Shahrzad. 2007. *Studying Decorating of Khwaje Atabak Tomb in Kerman*. Introduction by Dr. Mohammad Khazaei, First Edition. Kerman: The Center of Kerman Studies.
  22. Salehi Kakhki, Ahmad. 2007. *An Introduction to Buildings of the Il-Khanid Period Location in the City of Farfan, Rui- Dasht Region Isfahan, Iran*. Iran (45): 233-241.
  23. The Gazetteer Villages in Kerman Province. 2003. *First Edition, Kerman: The Geographical Organization of the Armed Forces Press*.
  24. Vaziri, Ahmad Ali Khan. 1974. *The Geography of Kerman*. By Effort of Mohammad Ebrahim Bastani Parizi. Tehran: Ebn-e Sina Publications.
  25. Wilber, D.N. 1969. *The Architecture of Islamic Iran. The II Khanid Period*. New York.





## A Research on Two Octagonal Domed Tombs of Keshit and Nask in Golbaf, Kerman

Mohammad Ebrahim Zarei \*

Associate Professor, Department of Archaeology, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran (Corresponding author)

Yadollah Heidari Babakamal\*\*

Phd Candidate of Archaeology, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran

Majid Montazer Zohori\*\*\*

Phd Candidate of Archaeology, Tehran University, Tehran, Iran

Received: 08/06/2015

Accepted: 08/09/2015

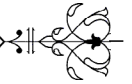
### Abstract

After mosques, tombs are the most important buildings of the Islamic period. Octagonal domed Tombs in the Islamic middle ages are more abundant than the early centuries of Islam. The evolution of quadrilateral domed tombs to octagonal domed tombs occur with the advent of the Seljuk and architecture developments in this period. Kerman province that was regarded as one of the most important centers of the Seljuk rulers, converted to the place of numerous tombs of sufis and elders in this period. It could be noted several examples of octagonal domed tombs in the Seljuk period that has been prevalent design of the domed tomb in this period. The existence of these buildings is interpreted with reference to local elders and religious figures. In fall 2011, during the archaeological survey to identify archaeological sites of Shahdad, Andohjrd and Golbaf in Kerman, two octagonal domed buildings were identified and recorded. These buildings are located in the village of Nask and Keshit in Golbaf, and have been built in connection with the village cemetery. Because, these buildings have not been identified so far, an independent research on their condition seems to be necessary. Golbaf city is located in 110 km south-east of Kerman province. This city leading from north to Kerman, from south to Bam city, from east to the Lut Desert and from west to the Rayen city. Keshit region has been prestigious residential areas of Lut Desert margins and the Golbaf city, that history of living in these areas is due to the abundance of water. Castle - Village of Keshit and its village with dating of late Islamic centuries, located in north and east octagonal domed tomb of Keshit. Keshit Permanent River clinging to the Castle - Village and passed from the east of historical context of Keshit village. Nask village is located about 1.5 km in west of Keshit village. Octagonal domed tomb of Nask is located among the wasteland with scattered shrubs of Kahur and about 300 meter in east of village. In addition, a castle of the historical period (Parthian and Sasanian) is located about 200 meters in north octagonal domed tomb. Accordingly, the main objective of this study was to determine the nature and function of these buldings, with respect to their historical and cultural context, and provide relative dating in comparison with similar samples. Methods used to achieve these objectives were based on description the current status and the peripheral elements of these buildings with detailed reporting, drawn

\*mohamadzareei@yahoo.com

\*\*yadolah.heydari@gmail.com

\*\*\* majid\_zohor@yahoo.com



map and taken photography from all directions and within them. Alongside above mention, have been used of written sources with descriptive and analytical method. The most important questions that made the basis of this study are: 1. What is above historical monuments dating? 2. What are probably function and their identities, according to historical and cultural context of the region? Since these buildings were without any inscription, dating of them is difficult. Nevertheless can be raised hypotheses: 1. Based on similar plans in medieval Islam, probably octagonal buildings of Keshit and Nask were made during the Seljuk and Il-Khanid period. 2. The buildings have been constructed in relation to religious figures and village elders. The core of the village cemetery construction was based on these buildings. The results show, based on the similarity of plan and decoration of these buildings with other domed shrines, it seems that the date that they have been built, is the same as Islamic middle ages buildings (the Seljuk period). The octagonal domed tombs has been popular form during the Seljuk and IL – Khanid periods. The domed tombs of Keshit and Nask among local residents are known to the “Hasht – Dar”. By comparison the architectural plans, decorations and kinds of buildings materials used, with octagonal domed tombs of Seljuk, many similarities can be found between them. Although similarities exist between the domed tombs of Keshit with octagonal domes in IL – Khanid periods, But according to the history of area studies, similarities and proportions between this building with other octagonal domed tombs in Kerman region during the Seljuk period, seems more likely attributing it to these period. Relative chronology of octagonal building of Nask to the Seljuk period, expressing with more certainty. Because decorate style and it plans close to the Seljuk buildings. According to the above mentioned, the octagonal building of Nask is older than octagonal building of Keshit. Another remarkable point about these buildings is that graves buried simultaneously with construction of these buildings or after them, could be indicates their position as convent or similar a place to that. As regards many burials can be seen in the vicinity of both tombs, bring up the above possibility could be true, because nowadays numerous burial can be seen besides the monasteries.

**Keywords:** Octagonal Domed Tomb, Seljuk Period, Il – Khanid Period, Archaeological Survey.

